

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۴

شاخصه‌های مبنایی برای ترسیم راهبردهای تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز

مهیار خانی مقدم*

چکیده

نوشتار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی به جست‌وجو در آموزه‌های وحیانی می‌پردازد و ضمن بیان مفهوم فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز، درصدد است شاخصه‌های مبنایی را پیشنهاد کند که بر اساس آن‌ها، ساماندهی ترسیم راهبردها در جهت دستیابی به فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز با افزایش جنبه‌های کیفی و کمی صورت پذیرد. نتایج به دست آمده را می‌توان در دو گزاره بیان کرد:

الف) منظور از فرهنگ زمینه‌ساز، مجموعه‌ای از آموزه‌های بینشی (ناظر به عقاید و باورها)، گرایشی (ناظر به ارزش‌ها) و کنشی (ناظر به آداب، رسوم، الگوها و شیوه‌های عملی) است که از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید و هدف و اثر برجسته آن، ایجاد زمینه‌های فردی و اجتماعی لازم برای پذیرش حقیقی و محض ولایت امام زمان علیه السلام - به عنوان آخرین فرستاده الهی - است و تمدن زمینه‌ساز نیز، تجلی فرهنگ یادشده در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خواهد بود؛

ب) به نظر می‌رسد تأمل در اوضاع کنونی جهان و جست‌وجو در آموزه‌های

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین قم (andqurani.qom@gmail.com).

قرآنی و روایی می‌تواند این باور را پدید آورد که با مبنا قرار دادن سه شاخصه «هدایت»، «حکمت» و «رضایت» در ارائه راهبردهای تحقیقی و توسعه‌ای برای تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز، می‌توان در اقع مخاطبان برای ایفای نقش مؤثر خود در زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام به توفیقی بیشتر دست یافت.

واژگان کلیدی

راهبرد، فرهنگ زمینه‌ساز، تمدن زمینه‌ساز، هدایت، حکمت، رضایت.

مقدمه

قوام، مسیر حرکت و سرنوشت هر جامعه را مبتنی بر نوع نگرش و بینش افراد آن، نسبت به جهان هستی و مؤلفه‌های مرتبط می‌توان دانست و از این رهگذر، فرایندهای گرایشی و کنشی جوامع مختلف را تحلیل کرد. جوامع اسلامی نیز بر اساس آموزه‌های وحیانی، چارچوبه فکری کاملی از هست‌ها و نیست‌ها و باید‌ها و نبایدها در اختیار دارند که البته هر فرقه‌ای از آن - به دلیل گرایش‌های کلامی، سیاسی و اجتماعی خاص خود که می‌تواند متأثر از شرایط مکانی و زمانی باشد - به همه یا بخشی از آن معارف، باورمند است.

بر اساس عقاید پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام - شیعه اثنی‌عشری - باید همواره واسطه‌ای الهی از نوع خود انسان، عهده‌دار هدایت بشر به سوی خداوند باشد (خانی مقدم و دیاری بیدگلی، ۱۳۹۳: ۵۳) که در دوران حاضر، حضرت مهدی علیه السلام - به عنوان آخرین فرد از خاندان اهل بیت علیهم السلام - مسئولیت این امر خطیر الهی را بر عهده دارد (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۴۶). البته به دلیل عدم آمادگی فراگیر برای بهره‌مندی مستقیم از رهبری الهی ایشان، امکان بهره‌مندی کامل از لطف وجودی امام فراهم نیست (حلی، ۱۴۱۳: ۳۶۳) و حضور ملموس و مداوم ایشان در جوامع بشری منتفی است و باید بر اساس راهبردها و راهکارهای لازم، تمهیدات ظهور آن حضرت را فراهم کرد.

ترویج فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز - که عبارت است از اصلاح نوع نگرش و بینش و در نتیجه گنش افراد و جلوه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن بر مبنای آموزه‌های وحیانی متناظر بر ایجاد آمادگی برای پذیرش محض ولایت آن حضرت - بنیادی‌ترین اقدام برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام به شمار می‌رود و نوشتار حاضر درصدد است بر مبنای آموزه‌های قرآنی و روایی، برای این پرسش که «بر اساس چه شاخصه‌های مبنایی، برای دستیابی به فرهنگ و

تمدن زمینه‌ساز، می‌توان راهبردهایی اثرگذار ترسیم کرد؟» پاسخی بیابد. جست‌وجوی نگارنده نشان می‌دهد تاکنون اثری پژوهشی با نگرش نوشتار حاضر، نگاشته نشده است.

مفهوم‌شناسی واژگان

۱. راهبرد

در بیان مفهوم واژه راهبرد، باید گفت: شیوه‌ای واضح است که اهداف و مقاصد بلندمدت را شکل می‌دهد و برنامه‌های عمده عملی - که رسیدن به آن اهداف را میسر می‌سازد - را توصیف می‌کند و منابع ضروری مربوطه را مشخص می‌سازد (گروه نویسندگان، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

۲. فرهنگ زمینه‌ساز

واژه فرهنگ از ترکیب دو جزء «فر» - به معنای جلو، بالا، شکوه، درخشندگی و بزرگی - و «هنگ» - به معنای قصد و آهنگ، بیرون کشیدن و برآوردن - تشکیل شده است. معانی متعددی چون تعلیم و تربیت، علم و ادب، عقل و خرد، آموزش و پرورش و بزرگی و سنجیدگی (دهخدا، ۱۳۷۶: ج ۱۱، ۱۷۱۳۲) را در معنای لغوی آن ذکر کرده‌اند که در آن‌ها، مفاهیمی چون پیشرفت و کمال، اشتراک دارد.

در تعریف واژه فرهنگ، می‌توان گفت: مجموعه یافته‌های آدمی است در ارتباط با دورانی که برای رسیدن به تمدن طی کرده است. از این‌رو، ترکیبی از همه باورهای مذهبی، سنن و آداب، سیاست، دانش‌ها، علم و فن و پویش‌های اقتصادی است که ریشه در عوامل متعدد مذهبی، جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی دارد و در هر جامعه نسبت با جامعه دیگر، متفاوت است (نک: فرهیخته، ۱۳۷۷: ۵۷۵). می‌توان مبنای اصلی فرهنگ را عقاید سنتی - یعنی نشأت گرفته و انتخاب شده در سیر تاریخی - و ارزش‌های وابسته به آن‌ها دانست (گروه نویسندگان، ۱۳۷۶: ۶۳۰).

بدیهی است فرهنگ زمینه‌ساز ظهور، برگرفته از فرهنگ وحیانی خواهد بود. خداوند ابزارهای گوناگون شناخت - شامل برحس، خیال، وهم، عقل و قلب (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶: ۵۹ - ۶۰) - را در اختیار انسان قرار داده که در قرآن کریم به برخی از این ابزار (نحل: ۷۸) اشاره شده است؛ اما با تمام این ابزارها، فهم و درک برخی از معرفت‌ها برای انسان، امکان‌پذیر نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۳۵) و وی در این باره به وحی الهی نیازمند است و آن‌چه از طریق وحی به دست می‌آورد را نمی‌تواند از مسیر دیگری به دست آورد. خداوند

متعال در این باره فرموده است:

«كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛ (بقره: ۱۵۱)

همان‌گونه [که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم،] رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم که آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد.

در آیات پیش از آیهٔ یاد شده، بحث دربارهٔ تعلیم کتاب و حکمت وجود داشته است؛ اما در این بخش، با قید «ما لَمْ تَكُونُوا» آن را تفکیک می‌کند تا بر این نکته تأکید کند که اگر پیامبران نبودند، بخشی از علوم و معارف برای همیشه از دسترس بشر خارج می‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۱۳). به بیانی دیگر، همهٔ معارف اسلامی - اعم از اصول و فروع - جز از طریق وحی به دست انسان نمی‌رسید و اگر آموزه‌های عالی پیامبر اسلام ﷺ و خاندان گرامی او نبود، بشر به رشد و کمال حقیقی خود دست نمی‌یافت (طیب، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۴۸).

وظیفهٔ تبیین آموزه‌های وحیانی بر عهدهٔ پیامبر ﷺ است:

«... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ (نحل: ۴۴)

و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آن‌چه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی و شاید اندیشه کنند.

پیامبر ﷺ نیز در حدیث ثقلین بر جدایی‌ناپذیری قرآن و اهل بیتش تا روز قیامت تأکید فرموده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۴۱۵) که ایشان را نیز به عنوان مفسران حقیقی وحی الهی معرفی کند. امام باقر ﷺ نیز بر نادرست بودن تمامی علوم و معارفی که از غیر از اهل بیت ﷺ به دست می‌آید، تأکید دارد:

شَرِيفًا وَغَرَبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ (همو: ج ۱، ۳۹۹)

اگر به شرق یا غرب عالم بروید، هرگز علم صحیحی پیدا نخواهید کرد، مگر آن‌چه از نزد ما اهل بیت خارج شود.

دربارهٔ قید زمینه‌سازی می‌توان به فرمایش مقام معظم رهبری - مدظله العالی - اشاره کرد:

شما باید زمینه را آماده کنی تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود - ارواحنا فداه - باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الّا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. (بیانات رهبر معظم

بر اساس این فرمایش، زمینه‌سازی یعنی ایجاد آمادگی و قابلیت در افراد که این امر ناظر به پذیرش حقیقی ولایت حضرت مهدی علیه السلام و تبعیت محض از او امر آن حضرت در تمام امور است. امام زمان علیه السلام درباره لزوم تبعیت از ایشان می‌فرماید:

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْلَمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيرَادُ وَلَا تَخَافُوا
كُشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ وَاجْعَلُوا قُصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمُؤَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ؛ (طوسی،
۱۴۱: ۲۸۶)

از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کارها را به ما واگذارید؛ بر ماست که شما را از سرچشمه، سیراب برگردانیم، چنان‌که بردن شما به سرچشمه توسط ما بود. در پی کشف آن‌چه از شما پوشیده شده نروید. مقصد خود را - با دوستی ما بر اساس راهی که روشن است - به طرف ما قرار دهید.

به نظر می‌رسد می‌توان در جمع‌بندی مباحث این بخش، مفهوم «فرهنگ زمینه‌ساز» را چنین دانست: مجموعه‌ای از آموزه‌های بینشی (ناظر به عقاید و باورها)، گرایشی (ناظر به ارزش‌ها) و کُنشی (ناظر به آداب، رسوم، الگوها و شیوه‌های عملی) که از قرآن کریم و سیره پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام ایشان - به عنوان تبیین‌کنندگان قرآن - به دست می‌آید و ناظر به ایجاد زمینه‌های فردی و اجتماعی لازم برای پذیرش حقیقی ولایت امام زمان علیه السلام - به عنوان آخرین فرستاده الهی - است.

۳. تمدن زمینه‌ساز

تمدن در لغت از واژه «مدن» به معنای شهر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۶۳) است که برخی از لغت‌شناسان با توجه نهفته بودن مفهوم اقامت در «مدن»، تمدن را به معنای تخلق به اخلاق اهل مدینه (شهرنشینان) دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۷: ج ۱۱، ۵۵). در اصطلاح نیز تعاریف متعددی برای آن بیان شده است که می‌توان به دو شاخص «وجود سازمان و نظم اجتماعی» و «پیشرفت مادی و معنوی جامعه» به عنوان نقاط مشترک بسیاری از تعاریف دانشمندان علوم اجتماعی درباره مفهوم آن اشاره کرد (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۴).

تمدن زمینه‌ساز برگرفته از تمدن اسلامی است. مقام معظم رهبری - مدظله العالی - تمدن اسلامی را این‌گونه معرفی فرموده است:

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ

مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال، او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این، هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۲/۶/۱۴)

جامعه متمدن اسلامی دارای شاخصه‌های برجسته نرم‌افزاری - همچون فرزاندگی در ابعاد شناخت حقیقت هستی، ایمان و فلسفه زندگی، ارزش‌ها و منش‌های اخلاقی و فرهنگی و مناسبات اجتماعی (قانون حق، مدیریت صالح، عدالت، آزادی، امنیت و وحدت) - و سخت‌افزاری - مانند اقتدار و توانمندی اقتصادی، نظامی و صنعتی - است (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۶ - ۸۰).

در تمدن زمینه‌ساز، مطلوبیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری محقق می‌گردند، اما افراد، به رغم آرامش و آسایش نسبی - که در پرتو آموزه‌های اسلامی به دست می‌آوردند - در درون خود به این عقیده راسخ دست می‌یابند که بدون ظهور و حضور مداوم امام زمان علیه السلام همچنان تا نیل به هدایت راستین و آرامش بی‌بازگشت، فاصله‌ای درخور توجه وجود دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی - مدظله‌العالی - در این باره می‌فرماید:

تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. (بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۷/۱۴)

البته باید توجه داشت که تمدن اسلامی، امری مطلق نیست و فرایندی طولانی و نسبی به شمار می‌رود که اهداف آن نیز به صورت نسبی محقق می‌شود. مقام معظم رهبری - مدظله‌العالی - در این باره فرموده است:

فرایند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آن‌ها بسیار طولانی است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱)

به نظر نگارنده، تمدن زمینه‌ساز در واقع تجلی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری فرهنگ زمینه‌ساز است و کارکرد اقتدار تمدنی مسلمانان پیش از ظهور، ناظر به بسترسازی برای کوتاه کردن مسیر امام زمان علیه السلام برای ساخت جهانی متعالی در ابعاد مادی و معنوی خواهد بود.

مبانی ترسیم راهبردها

در بخش‌های پیشین اشاره شد که در عصر حاضر، امام زمان علیه السلام با مشیت الهی در غیبت به سر می‌برد و بر افرادی که به انتظار بهره‌مندی مستقیم و کامل از ولایت الهی ایشان نشستند لازم است شرایط و زمینه‌های مورد نیاز این امر را محقق سازند که نمودیافتگی برجسته آن در فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز پدیدار می‌شود. بدیهی است این امر بدون برنامه‌ریزی هدفمند و ترسیم راهبردها و راهکارهای معین، در زمان مناسب به نتیجه مطلوب دست نخواهد یافت. سؤالی که مطرح می‌شود آن است که چگونه می‌توان راهبردهای مذکور را به گونه‌ای سامان داد که اثرگذاری آن، بیش از پیش شود؟ به نظر می‌رسد اگر مبانی مشترکی انتخاب شود و راهبردها بر اساس آن‌ها ترسیم و به سامانی گردند، می‌توان به میزان بیشتری از موفقیت در اثربخش بودن راهبردها دست یافت. مبنای انتخاب مبانی مشترک نیز ناظر بر شناخت شرایط کنونی جهان و آموزه‌های برآمده از قرآن و روایات است.

عمده پرسش‌هایی که جهان معاصر با آن روبه‌روست و شخص مسلمان - به عنوان فردی که عهده‌دار تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز است - خواه یا ناخواه با آن‌ها مواجه می‌شود را می‌توان در قالب سه کانون برجسته دانست:

۱. بخشی از دغدغه انسان‌های معاصر، معطوف به انتخاب مسیر و راهنمایی است که او را به آرامش حقیقی رهنمون سازد که در حقیقت، این نکته از جهت‌گیری فطری انسان‌ها به سوی خالق جهان نشأت گرفته است. می‌توان تلاش کانون‌های قدرت، ثروت و مذهب در معرفی الگوهای برتر را در راستای دغدغه مذکور دانست.

۲. بخش دیگری از پرسش‌ها، درباره میزان تطابق امور با موازین عقلی و حکیمانه بودن آن‌هاست. البته گفتنی است به دلیل گرایش و اکتفای بیش از پیش دنیای غرب به عقل‌گرایی و عقل‌بستگی، باید در این باره با دقت نظری بیشتر به تحلیل پرداخت.

۳. بخشی دیگر از تلاش‌های فکری، معطوف به تعیین ملاک برای کسب رضایت افراد و به نوعی، تحصیل آرامش حقیقی است؛ بدین معنا که رضایت چه مرجعی به عنوان معیار به شمار می‌رود و در راستای آن، باید با چه کیفیت و کمیتی به دنبال تأمین رضایت افراد بود و راه حل تعارضی تمایلات در این باره چیست؟

به نظر می‌رسد با توجه به تعریفی که از فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز ارائه شد و با توجه به معارف فرهنگ و حیانی، می‌توان دغدغه‌های مذکور را ناظر به عرصه‌های بینشی، گرایشی و

گنشی دانست و بر این اساس، سه شاخصه با عناوین «هدایت»، «حکمت» و «رضایت» را به عنوان مبانی ترسیم راهبردهای تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز پیشنهاد کرد. در ادامه به تبیین این سه شاخصه پرداخته می‌شود:

الف) هدایت

۱. مبنا

با رجوع به آموزه‌های فرهنگ و حیانی و براهین واضح عقلی، جهان دارای خداوندی یکتا (انبیاء: ۲۲)، مالک (آل عمران: ۲۶) و مدبر (یونس: ۳) است. در باب اثبات وجود خداوند، سه راه کلی ذکر شده است: ۱. راه فطری یا راه دل؛ ۲. راه علمی و شبه فلسفی؛ ۳. راه فلسفی (مطهری، ۱۳۶۸: ج ۴، ۴۱-۴۲). منظور از راه فطری یا راه دل آن است که در خلقت و فطرت هر انسان، احساس و تمایلی وجود دارد که خودبه‌خود او را به سوی خداوند می‌کشاند. قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾؛ (ابراهیم: ۱۰)

آیا در خدا شک است؟! خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است....

امام علی علیه السلام در این باره فرموده است:

اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَىٰ أَرَادَتِكَ وَفَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَىٰ مَعْرِفَتِكَ؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۱۲۰)
 خدایا! تو قلب‌ها را با ارادت و محبت خود خلق کردی و عقل‌ها را با معرفت خود سرشته‌ای.

امام حسین علیه السلام نیز در دعای عرفه فرمود:

كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ أَيْ كَوْنُ لِعَٰنَتِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّىٰ يَكُونَ هُوَ الْمُنْظَرُ لَكَ مَتَىٰ غَبِثَ حَتَّىٰ تَحْتَاجَ إِلَىٰ دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَمَتَىٰ بَعُدْتَ حَتَّىٰ تَكُونَ الْآتَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصَّلُ إِلَيْكَ؛ (همو، ۱۴۰۹: ج ۱، ۳۴۹)

چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن موجود در هستی‌اش نیازمند به توست و آیا اساساً برای ماسوای تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو گردد؟ تو چه زمانی پنهان شده‌ای تا محتاج به دلیلی باشیم که به تو راهنمایی کند و چه وقت دور مانده‌ای تا آثار تو، ما را به تو واصل گردانند.

بر اساس راه دوم، انسان می‌تواند از راه علم و تفکر در اشیا و واقعیات خارجی، به شناخت خداوند دست یابد و در این مسیر، سه شاخصه نظم موجودات (بقره: ۱۶۴)، مخلوق بودن

جهان هستی (غافر: ۶۲) و هدایت محوری آن (طه: ۵۰) ره‌گشاست (نک: مطهری، ۱۳۶۸: ج ۴: ۵۵). در راه فلسفی نیز ضرورت ندارد مخلوقات و واقعیات موجود و محسوس مورد تفکر قرار گیرند، بلکه با نوعی محاسبه و تقسیم ذهنی و عقلی، وجود خداوند اثبات می‌شود (همو: ج ۴، ۵۷). از این رو پس از یقین به وجود خداوندی مدبر و حکیم، بیهوده بودن خلقت هستی نیز بی‌معنا خواهد بود:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾؛ (مؤمنون: ۱۱۵)
 آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم، و به سوی ما باز نمی‌گردید؟

بنابراین، جهان هستی دارای اهداف مشخص و ماندگاری است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۷۳) و برای تحقق اهداف خلقت، لازم است بنیان هستی بر نظام هدایت قرار داشته باشد:

﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾؛ (طه: ۵۰)
 پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آن‌چه را لازمهٔ آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است.

خداوند، انسان را هم از طریق هدایت تکوینی هدایت فرموده و فطرت انسان که بر اساس توحیدگرایی سامان یافته (صدوق، ۱۴۱۴: ۳۶) به عنوان حجتی ذاتی، هیچ‌گونه تخلفی در شناخت حق نخواهد داشت (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۳، ۱۵۰) و هم از طریق هدایت تشریعی (حدید: ۲۵) با برانگیختن انبیای الهی - که به عنوان سنتی الهی در میان تمامی بشر جریان داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۲، ۲۴۲) - و فرستادن کتب آسمانی - که محتوای آن‌ها با گذشت زمان و تکامل انسان‌ها کامل‌تر شد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ج ۲۳، ۳۷۱) - نظام هدایت خویش را برای انسان سامان داده است. امام زمان علیه السلام در این باره فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَمْهَلَهُمْ سُدًى بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَ
 أَبْصَارًا وَقُلُوبًا وَالْأَبَابَ ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيِّينَ عليهم السلام مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ يَا مَرْغُوبِمْ بِطَاعَتِهِ وَ
 يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَيُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهِلُوا مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَدِينِهِمْ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَ
 بَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً وَبَيَّنَّ بَيْنَهُمْ وَبَيَّنَّ مَنْ بَعَثَهُمْ بِالْفَضْلِ الَّذِي لَهُمْ عَلَيْهِمْ وَمَا آتَاهُمْ
 مِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَةِ وَالْبُرَاهِينِ الْبَاهِرَةِ وَالآيَاتِ الْعَالِيَةِ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۶۸)

خداوند متعال، خلق را بیهوده نیافریده و آنان را مهمل نگذاشته است، بلکه آنان را به قدرتش آفریده و برای آن‌ها گوش و چشم و دل و عقل قرار داده، آن‌گاه پیامبران را - که مژده‌دهنده و ترساننده هستند - به سویشان برانگیخت که به طاعتش دستور دهند و از

نافرمانی‌اش جلوگیری فرمایند و آنچه را از امر خداوند و دینشان نمی‌دانند، به آن‌ها بفهمانند و بر آنان کتاب فرستاد و به سویشان فرشتگانی برانگیخت تا آن‌ها میان خدا و پیامبران واسطه باشند، به واسطه تفضلی که برایشان روا داشته و دلایل آشکار و برهان‌های قاطع و آیات غالب که به ایشان داده است.

هدایت مستمر الهی که موجب بعثت انبیا شد، موجب نصب امام بعد از پیامبر ﷺ نیز می‌گردد (نک: خرازی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۶؛ آل یاسین، ۱۴۱۳: ۲۷۷). از این رو وجود امام، لازم است و از آن جا که سبب تحقق هدف خداوند از خلقت می‌شود، انتخاب آن بر خداوند واجب است (حلی، ۱۴۱۳: ۳۶۲).

در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز بر اهمیت وجود فرستاده الهی بر روی زمین در هر برهه زمانی تأکید شده است. امام عصر علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحْلُمُونَ حُجَّةً إِلَّا ظَاهِرًا وَإِمَامًا مَعْمُورًا؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۱)
 آیا نمی‌دانید که زمین هیچ‌گاه بدون حجت الهی باقی نخواهد ماند؛ چه آن حجت، امام ظاهر و آشکار باشد یا در پس پرده غیب.

همچنین جهل نسبت به مقام امام و معرفت صحیح نداشتن به آن را موجب خروج از اسلام (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲۹) و گمراهی دانسته‌اند. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ فردی که منظور از جاهلیت در حدیث نبوی «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» را جويا شد، فرمود:

جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَضَلَالٌ؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۷۷)
 مراد از جاهلیت، کفر، نفاق و گمراهی است.

افزون بر آیات و روایات، براهین عقلی متعددی مانند «حفظ شریعت» (طوسی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۳۳؛ علم الهدی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۷۹)، «امتناع تسلسل» (همو، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۲۴)، «پیشوایی امام» (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۷۴)، «روی گردانی مردم از گناهکار» (طوسی، ۱۴۱۴: ۹۸)، «جانشینی پیامبر ﷺ» (حلی، ۱۳۶۳: ۲۰۲) و «عدل خداوند» (حلی، ۱۴۰۴: ۱۵۰) بر وجوب جریان امامت و لزوم عصمت امام تأکید دارند که بررسی تمامی آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد و تنها به بیان مختصر برهان «فلسفه وجودی امام» - که به عنوان اولین برهان عقلی بر وجوب عصمت امام توسط شیخ صدوق اقامه شده است (فاریاب، ۱۳۹۰: ۱۶۸ - ۱۷۰) - اکتفا می‌شود. بر اساس برهان یادشده، برای استمرار دین الهی لازم است در هر عصر و دوران، کسی باشد که معانی صحیح خدشه‌ناپذیر قرآن و سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بیان کند و لازمه چنین کسی، مصون بودن

از خطا و اشتباه است (صدوق، ۱۴۰۳: ۱۳۳). بنابراین از آن جا که مردم در فهم حق، برداشت‌های متفاوت و گاه متناقضی دارند، لازم است فردی معصوم، آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر ﷺ را به روشنی تبیین کند (حلی، ۱۳۶۳: ۲۰۵).

۲. رهیافت

به نظر می‌رسد در قالب سه دستاورد مبنایی، راهبردهای مورد بحث را غنای افزون تری می‌توان بخشید:

الف) جهان هستی و انسان، بر اساس هدایت مادی و معنوی الهی به سوی هدفی والا در حال پیشرفت و رشد هستند و هر انسان می‌تواند از هدایت الهی بهره‌مند شود. امام زمان ﷺ می‌فرماید:

إِن اسْتَرَشِدْتَ أُزِيدَتْ وَإِنْ طَلَبْتَ وَجَدْتَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۳۳۹)

اگر خواستار رشد و کمال معنوی باشی هدایت می‌شوی و اگر طلب کنی می‌یابی.

ب) واسطه هدایت الهی در عصر حاضر، امام زمان ﷺ است و هرگونه پوچ‌انگاری و رواج احساس بی‌یاوری و به حال خود رهاشدگی، معنایی نخواهد داشت؛ چرا که ایشان فرمود:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِمَذَكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَ عَلَيَّ انْتِيَابِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَا فَتٌ عَلَيَّكُمْ؛

(راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۹۰۳)

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود، گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند. از خدا بترسید و ما را در نجات دادن شما از فتنه‌هایی که شما را در بر گرفته است، پشتیبانی کنید.

ج) لازمه بهره‌مندی از عنایت آن حضرت - که به پیشرفت و کمال مادی و معنوی جوامع انسانی می‌انجامد - آن است که هر فرد بر اساس تأملی که در راهبردهای تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز کرده و شناختی که از استعدادها و توانمندی‌های خود دارد، نقش خود در زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت را به خوبی بشناسد و ایفا کند و از ناچیزانگاری نقش خود به شدت پرهیز داشته باشد. مقام معظم رهبری - مدظله العالی - می‌فرماید:

هر جا که قرار گرفته‌اید، همان جا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه کارها به شما متوجه است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی،

۱۳۷۰/۱۲/۵)

این فرمایش می‌تواند تأکیدی بر اهمیت یکایک نقش‌های افراد در نظام هدایت هستی در مسیر نیل به کمال و قرب الهی باشد که در زیرمجموعه آن، فرهنگ و تمدنی محقق شود که ظرفیت پذیرش کامل انوار الهی امامت امام زمان علیه السلام را ایجاد می‌کند.

ب) حکمت

۱. مبنا

هر انسان خردمندی که در آفرینش و نظم و هماهنگی موجود در آن تأمل کند، بر وجود خالقی حکیم اقرار خواهد داشت:

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا...﴾؛ (آل عمران: ۱۹۱)

کسانی که خدا را ایستاده و نشسته و در حالی که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند: پروردگارا! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای!

خداوند متعال در قرآن کریم، خود را در نود و پنج آیه (برای نمونه، نک: بقره: ۲۰۹؛ آل عمران: ۶؛ تغابن: ۱۸؛ تحریم: ۲) به حکیم بودن متصف کرده است. در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز بر حکیم بودن خداوند متعال تأکید فراوانی شده است؛ برای نمونه امام علی علیه السلام فرمود:

فَظَهَرَتْ الْبِدَائِعُ الَّتِي أَحَدَّثْتُهَا آثَارُ صَنْعَتِهِ وَأَعْلَامُ حِكْمَتِهِ فَصَارَ كُلُّ مَا خَلَقَ حُجَّةً لَهُ وَ
دَلِيلًا عَلَيْهِ وَإِنْ كَانَ خَلْقًا صَامِتًا فَحُجَّتُهُ بِالتَّدْبِيرِ نَاطِقَةٌ وَدَلَالَتُهُ عَلَى الْمُبْدِعِ قَائِمَةٌ؛
(شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۵۷)

در آن چه آفریده، آثار ساختن و نشانه‌های حکمت او آشکار است، که هر یک از پدیده‌ها حجت و دلیلی بر وجود او هستند، گرچه برخی مخلوقات، به ظاهر ساکت‌اند، ولی بر تدبیر خداوندی گویا و اشاره آن‌ها بر آفریننده‌شان برپاست.

امام رضا علیه السلام نیز در دعای خود به حکمت الهی اشاره دارد:

سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَأَتَقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ وَوَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ
بِعِلْمِهِ؛ (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۳۷)

پاک و منزّه است خدایی که موجودات را با قدرتش خلق کرد و آن‌چه را که آفرید با حکمتش به یقین رساند و هر چیزی را با علم خود در جایگاه مناسبش قرار داد.

خداوندی که در تمامی امور حکیم است، مسئله غیبت امام زمان علیه السلام و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت را نیز به اقتضای حکمت خود سامان بخشیده است. هرچند برخی از حکمت‌های غیبت برای انسان‌ها پوشیده است، اما می‌توان از سخنان اهل بیت علیهم السلام به برخی از حکمت‌های مذکور دست یافت. برای نمونه، امام علی علیه السلام مواردی چون در امان ماندن حضرت از بیعت با ستمگران، مشخص شدن گمراهان، ستم و ظلم مردم به خود و فرزندان علی علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۱۰۹ - ۱۱۳) را از جمله دلایل غیبت امام زمان علیه السلام بیان فرموده است.

می‌توان چنین نگرشی داشت که حکومت اسلامی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام محقق شد که جلوه‌های آن برای انسان نمایان و بشر از غیر آن بیزار شود و در زیر لوای این حکومت عدل، ابعاد مختلف مسائل اسلامی - اعم از مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - در جامعه تحقق یابد؛ اما از سوی مردم برای چنین حکومت آمادگی وجود نداشت. اگر مردم آماده پذیرش حکومت اسلامی بودند، امام غایب نمی‌شد و به اجرای قانون الهی می‌پرداخت و حکومت عدل اسلامی، سراسر جهان را فرا می‌گرفت (اوسطی، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

نکته بعدی که در این بخش لازم به یادآوری است، نقش عقل در تبیین و غنا‌افزایی راهبردهای مورد بحث است. در آموزه‌های فرهنگ زمینه‌ساز، عقل بسیار ارجمند است. در آیات متعددی از قرآن کریم به تعقل در مسائل مختلف فرمان داده شده (نک: نحل: ۱۲) و کسانی که نمی‌اندیشند نیز مورد توبیخ قرار گرفته‌اند (یونس: ۱۰۰) عقل از دیدگاه قرآن (روم: ۳۰)، فهمی است که با سلامت فطری و دوری از هواهای نفسانی به دست می‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۵۰). بدین‌رو، شرط لازم برای رسیدن به «عقل قرآنی»، تطهیر روح از آلودگی‌های نفسانی است و از این‌رو، حتی فیلسوفی که از این پاکی روح بهره‌ای نداشته باشد، از دیدگاه قرآن، عاقل به شمار نمی‌آید (مبینی، ۱۳۸۰: ۹۲).

بر اساس روایات نیز پایه دین بر عقل استوار شده (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۹۴) و بدون آن، دسترسی به دین نیز ناممکن است (همو). به وسیله عقل است که خداوند پرستش می‌شود و فیض دستیابی به بهشت به دست می‌آید (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۱) و درجات اهل بهشت نیز با میزان عقل افراد، مشخص خواهد شد (همو: ج ۱، ۵۴). بنابراین، میان دستورهای پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام با موازین عقلی، هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد (یوسفیان، ۱۳۸۳: ۲۲۳). البته باید توجه داشت که تنها می‌توان اصول و کلیات دین را با عقل تطبیق داد و شناخت کامل

دین راستین الهی و جزئیات آن، تنها از طریق وحی الهی ممکن است (بقره: ۱۵۱).

۲. رهیافت

به نظر می‌رسد می‌توان در قالب دو دستاورد مبنایی، بر تأثیر راهبردهای مورد بحث افزود: بیان استدلال عقلی و بیان حکمت‌های الهی دربارهٔ ضرورت وجود امام، برخی از دلایل غیبت و لزوم آماده‌سازی فردی و اجتماعی مورد اهتمام قرار گیرد. - از هرگونه تعارض نمایی عقل و دین در مسیر تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز و کم‌اهمیت جلوه دادن عقل اجتناب شود؛ هر چند باید بر محدود بودن معرفت عقلانی نیز تأکید کرد.

ج) رضایت

۱. مبنا

دست یافتن به آرامش را می‌توان از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های انسان معاصر دانست که بن‌مایهٔ آن، چگونگی دستیابی به رضایت در سطوح مختلف رابطه‌ای (با خدا، خود، دیگران و طبیعت) است. انسان در آموزه‌های وحیانی دارای فطرتی الهی است (روم: ۳۰) که با یاد خدا آرام می‌گیرد (رعد: ۲۸). انسانی که خداوند را توانا بر هر چیزی و دارندهٔ تمامی قدرت، ملک، عزت و هستی بداند (آل عمران: ۲۶)، تمام تلاش خویش را مصروف خواهد داشت که بتواند مطابق با اوامر الهی به اعمال خویش رنگ الهی بخشد (بقره: ۱۳۸) و به رضایت الهی دست یابد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * ... رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ أَحْسَنُ رَبِّهِ﴾؛ (بینه: ۷ - ۸)

[اما] کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات [خدا] هستند. ... [هم] خدا از آن‌ها خشنود است و [هم] آن‌ها از خدا خشنودند و این [مقام والا] برای کسی است که از پروردگارش بترسد!

بر اساس آیه یادشده، مهم‌ترین عامل دستیابی به رضایت الهی، رعایت تقوای الهی است که در آیات (برای مثال، حشر: ۱۸) و روایات (برای مثال، ورام، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۱۷) متعددی به لزوم اهتمام به آن تأکید شده است. همچنین در روایات دیگری، از اطاعت از اوامر الهی به عنوان عامل کسب رضایت الهی یاد شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

رَضِيَ اللَّهُ شِبْحَانَهُ مَقْرُونٌ بِطَاعَتِهِ؛ (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۱۸۲)

رضایت خدای سبحان با فرمان برداری از او همراه است.

از دیگر نکات قابل توجه آن است که به رغم تعبیرهای فوق‌العاده‌ای که از نعمت‌های بهشتی در قرآن کریم وجود دارد (برای نمونه، محمد: ۱۵) رضایت و خشنودی الهی، بالاتر و بالاتر از تمام نعمت‌های اخروی معرفی شده است (توبه: ۷۲).

مسئله دیگری که در این باره وجود دارد، تعارض میان رضایت خداوند و رضایت مردم است؛ بدین معنا که انسان در مسیر زندگی با مسائلی روبه‌رو می‌شود که رضایت مردم را بر رضایت خداوند ترجیح می‌دهد. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده است:

مَنْ طَلَبَ مَرْضَاةَ النَّاسِ بِمَا يُسَخِّطُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ دَامًا وَمِنْ أَثَرِ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِمَا يُغْضِبُ النَّاسَ كَفَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِدَاوَةَ كُلِّ عَدُوٍّ وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَبَغَى كُلِّ بَاغٍ وَكَانَ اللَّهُ لَهُ نَاصِرًا وَظَهِيرًا؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۶۲)

کسی که رضایت مردم را بر اساس چیزی که موجب نارضایتی خداوند می‌شود طلب کند، موجب می‌شود مردم ستایش‌گر او، او را مذموم کنند و هرکس که اطاعت از خداوند را بر ناخرسندی مردم ترجیح دهد، خداوند او را از عداوت هر دشمن، حسادت هر حسود و تجاوز هر تجاوزگر مصون می‌دارد و برای او یاور و پشتیبان خواهد بود.

۲. رهیافت

به نظر می‌رسد می‌توان در قالب دو دستاورد مبنایی، بر تأثیر راهبردهای مورد بحث افزود: مبنای رضایت در جهان هستی، عمل به اوامر الهی است که آرامش راستین را برای انسان به ارمغان می‌آورد. در تعارض میان رضایت افراد نیز تمامی مواردی که برخلاف رضایت الهی حاصل شود، مردود خواهد بود.

از آن جا که دین الهی تنها با ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام محقق می‌شود، آماده‌سازی برای ظهور آن حضرت از جمله مواردی است که رضایت الهی را فراهم می‌آورد و جلب رضایت افرادی که درخواست‌های ایشان در تعارض با این مهم باشد، پذیرفتنی نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

برآیند مباحث مطرح شده در این نوشتار را می‌توان در قالب چند نکته بیان داشت:

۴۲

هدف نوشتار حاضر آن بود که مبانی مشخصی را برای شیوه‌های روشنی که اهداف بلندمدت و برنامه‌های عمده عملی برای تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را معین می‌سازد، ارائه دهد.

فرهنگ زمینه‌ساز مجموعه‌ای از آموزه‌های بینشی (ناظر به عقاید و باورها)، گرایشی (ناظر

به ارزش‌ها) و کُنشی (ناظر به آداب، رسوم، الگوها و شیوه‌های عملی) برگرفته از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام برای ایجاد زمینه‌های فردی و اجتماعی لازم جهت پذیرش حقیقی و محض ولایت امام زمان است و تمدن زمینه‌ساز، تجلی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فرهنگ یادشده است که جلوه‌گر صلابت معنوی و اقتدار مادی جامعه منتظر ظهور خواهد بود.

به نظر می‌رسد می‌توان با تأملی در آموزه‌های فرهنگ زمینه‌ساز و تأملی در اوضاع کنون جهان به شاخصه‌هایی مبنایی برای تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز دست یافت. بر این اساس و با توجه به عمده پرسش‌های اساسی بشر در جهان معاصر - که درباره «انتخاب مسیر و راهنمایی راستین برای نیل به آرامش»، «میزان تطابق امور با موازین عقل» و «تعیین ملاک برای کسب رضایت» است - می‌توان سه شاخصه «هدایت»، «حکمت» و «رضایت» را پیشنهاد کرد.

در شاخصه «هدایت»، مبنا بر این بوده که جهان دارای مالکی مدبر و اهداف مشخصی است. انسان نیز بر اساس هدایت تکوینی و تشریحی خداوند به سوی اهداف خلقتش رهنمون شود و از آن‌جا که باید همواره واسطه‌ای الهی از نوع خود انسان، عهده‌دار هدایت بشریت به سوی خداوند باشد، امام زمان علیه السلام در عصر حاضر عهده‌دار این مهم است. رهیافت‌های آن نیز بیان‌گر آن خواهد بود که جهان هستی و انسان، بر اساس هدایت مادی و معنوی الهی به سوی هدفی والا در حال پیشرفت و رشد هستند و هر انسانی می‌تواند از هدایت الهی بهره‌مند شود. واسطه هدایت الهی در عصر حاضر، امام زمان علیه السلام است و هرگونه پوچ‌انگاری و رواج احساس بی‌یاوری و به حال خود رهاشدگی، معنایی نخواهد داشت. لازمه بهره‌مندی از عنایت آن حضرت - که به پیشرفت و کمال مادی و معنوی جوامع انسانی می‌انجامد - آن است که هر فردی نقش خود در زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت را به خوبی بشناسد و ایفا کند و از ناچیزانگاری نقش خود به شدت پرهیز داشته باشد.

در شاخصه «حکمت»، مبنا بر آن است که خداوندی که در تمامی امور حکیم است، مسئله غیبت امام زمان علیه السلام و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت را نیز به اقتضای حکمت خود سامان بخشیده است. بیان استدلال عقلی و بیان حکمت‌های الهی درباره ضرورت وجود امام، برخی از دلایل غیبت و لزوم آماده‌سازی فردی و اجتماعی و اجتناب از هرگونه تعارض نمایی عقل و دین در مسیر تحقق فرهنگ و تمدن زمینه‌ساز و پرهیز از کم‌اهمیت جلوه دادن عقل از جمله

رہیافت‌های این بخش است.

در شاخصه «رضایت»، مینا بر این است که انسانی که بر مالکیت، تدبیر و قدرت الهی معتقد باشد، تمام تلاش خویش را مصروف خواهد داشت که بتواند اوامر الهی را اجرا کند تا به رضایت الهی دست یابد. همچنین از جمله رهیافت‌ها این خواهد بود که مبنای رضایت در جهان هستی، اوامر الهی است که آرامش را برای انسان به ارمغان می‌آورد. در تعارض میان رضایت افراد نیز تمامی مواردی که برخلاف رضایت الهی حاصل شود، مردود خواهد بود. آماده‌سازی برای ظهور از جمله مواردی است که موجب کسب رضایت الهی خواهد شد و جلب رضایت افرادی که درخواست‌های ایشان در تعارض با این مهم باشد، پذیرفتنی نیست.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *إقبال الأعمال*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۱ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، تصحیح: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم، دار الذخائر.
- اوسطی، حسین (۱۳۸۶ش)، *دوازده گفتار درباره حضرت مهدی علیه السلام*، تهران، نشر مشعر.
- آل یاسین، محمد حسن (۱۴۱۳ق)، *أصول الدین*، قم، مؤسسه آل یاسین.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: www.khamenei.ir
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶ش)، *فرهنگ شیعه*، قم، زمزم هدایت، چاپ دوم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح: مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۴ق)، *تقریب المعارف*، قم، انتشارات الهادی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳ش)، *أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، تحقیق: محمد نجمی زنجانی، قم، الشریف الرضی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۳ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ چهارم.
- خانی مقدم، مهیار؛ محمدتقی دیاری بیدگلی (بهار ۱۳۹۳ش)، «از خداانگاری اهل بیت علیهم السلام تا خداباوری نظام‌مند»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *علوم حدیث*، ش ۷۱، قم، مؤسسه دارالحدیث.
- خرازی، سید محسن (۱۴۱۷ق)، *بداية المعارف الإلهية فی شرح عقائد الإمامية*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ چهارم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، تصحیح: مؤسسه الإمام المهدی علیه السلام، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
- سعیدی روشن، محمدباقر (بهار و تابستان ۱۳۹۳ش)، «شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس

- آموزه‌های قرآن کریم»، فصل نامه علمی - پژوهشی آموزه‌های قرآنی، ش ۱۹، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم، هجرت.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- _____ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۴۱۴ق)، الاعتقادات، قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، چاپ دوم.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۲ش)، تلخیص الشافی، تحقیق: حسین بحر العلوم، قم، انتشارات المحبین.
- _____ (۱۴۱۱ق)، الغیبة، تصحیح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۴ق)، الأملی، تصحیح: مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- ۴۷ - علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، دار القرآن الکریم.
- _____ (۱۴۱۰ق)، الشافی فی الإمامة، تحقیق: سید عبدالزهرا حسینی، تهران، مؤسسة الصادق علیه السلام، چاپ دوم.

- فاریاب، محمدحسین (۱۳۹۰ش)، عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- فرهیخته، شمس‌الدین (۱۳۷۷ش)، فرهنگ فرهیخته، تهران، زرین.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- گروه نویسندگان (۱۳۷۶ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، مازیار.
- گروه نویسندگان (آذر و دی ۱۳۸۶ش)، «مفهوم و فرایند راهبرد»، فصل‌نامه نگرش راهبردی، ش ۸۵ و ۸۶، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مبینی، محمدعلی (آذر ۱۳۸۰ش)، «عقل در قرآن»، مجله معرفت، ش ۴۸، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶ش)، چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، ترجمه: حسین علی عربی و محمد مهدی نادری قمی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ چهارم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق - الف)، الإفصاح فی الإمامة، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- _____ (۱۴۱۳ق - ب)، الجمل، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ پنجم.
- ورام، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، مجموعه وزام، قم، مکتبه فقیه.
- یوسفیان، حسن (۱۳۸۳ش)، عقل و وحی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.